

نگاهی به حرکت لاک‌پشتی ثبت میراث ایرانی در یونسکو

طلایی که مس می‌شود

داود اسداله‌وش عالی*

قدیمی و منسوخ شده مرمت هنوز در این بنا اجرا می‌شوند، با اینکه نتیجه‌های نه چندان مطلوب آن برای کارشناسان و اهل فن کاملاً آشکار است.

میدان نقش جهان به دلیل نویدمدیریتی هماهنگ در یک شهر ارزشمند تاریخی تا آستانه حذف از فهرست جهانی یونسکو پیش رفت، بگذریم از ساخت و سازهای عجیب و غریب انجام گرفته در خود میدان و بناهای آن که در مستند بودن آنها جای تردید است.

در گنبد سلطانی به عنوان بزرگترین گنبد آجری جهان کارهای موفق و مهمی در زمینه باستانشناسی محوطه و مرمت تزیینات ارزشمند آن انجام شده است، اما هیچ بازدیدکننده‌ای حتی یک پوستری، عکس، گزارش و حتی یک نوشته کوچک در زمینه‌ی فعالیت‌های انجام شده در آن نمی‌یابد. بازدیدکننده‌ها تنها در راهروهای چند طبقه آن می‌گردند و با تصویری که غالباً نادرست از وضعیت بناست آنجا را ترک می‌کنند و آن تصور نادرست را به شهر خود می‌برد.

تخت سلیمان به عنوان اثری با جاذبه‌های طبیعی در اطراف خود چندین سال است که شاهد فعالیت‌های لاک‌پشتی است. نبود اطلاع‌رسانی کافی و معرفی مناسب، دامنگیر این بنا از ارزشمند نیز است. اولین و نزدیک‌ترین اقامتگاه به این محوطه کیلومترها با آن فاصله دارد.

آیا محوطه اثر تاریخی پاسارگاد ساماندهی شده است، سداحداثی در نزدیک این سایت تا چه حد در این محوطه تأثیر خواهد گذاشت. حفاظت از این محوطه چگونه انجام می‌شود.

ارگ بم اما ویژگی‌هایی دارد که برخورد با آن باید با وسواس خاصی انجام گیرد و در این مدت پس از زلزله فعالیت‌های بسیاری به جهت ساماندهی این اثر انجام شده است. تمامی این عوامل و مواردی که مطرح شد ضرورت اطلاع‌رسانی و برخورد مناسب با این آثار ارزشمند تاریخی ایران را متذکر می‌شود. در حال حاضر که رویکرد بخش دولتی به جذب گردشگران خارجی و توسعه ایرانگردی است مدیریت کلان و منطقه‌ای کشور بهتر است رویکردی جدی‌تر و کارشناسی‌تر با این آثار داشته باشد و اطلاع‌رسانی را در حد پخش چند تصویر شاعرانه از تلویزیون و پوسترها و عکسهایی که در ساختمان‌های میراث فرهنگی و گردشگری نصب می‌شود، محدود نکنند.

در انتها باید یاد آور شد که حضور هر گردشگر در داخل ایران به معنی امنیت، درآمدزایی، اشتغال‌زایی و مزایای قابل تامل دیگری است و مهمتر این که توصیف یک گردشگر که از ایران به کشور خود بازگشته تأثیر گذارتر از نوشته‌ها و گفته‌های رسانه‌های خارجی در مورد ایران است. تأثیری که همه دولتمردان به دنبال راهکاری برای رسیدن به آن هستند.

* کارشناس ارشد مرمت آثار تاریخی

طبیعی و تاریخی ایران در فهرست آثار جهانی بوده است، کند بودن کار در این زمینه به دلیل حساسیت بالا امری طبیعی است اما بسیاری از این کندها به دلیل مدیریت‌های غیر متمرکز و سهل‌انگاری در کارهاست. نمونه‌هایی از این مدیریت‌های ناکارآمد را در سرانجام ناگواری که بسیاری از آثار ملی ثبت شده به آن دچار شده‌اند، می‌توان مشاهده کرد. به عنوان نمونه چندین اثر ثبت شده تاریخی یک شبه در زیر چرخ لودرهای شهرداری و یا هر نهاد دیگری مدفون شده‌اند. فاجعه‌ای که هر روز در گوشه‌کنار این سرزمین شاهدش هستیم. با این حال نباید فعالیت‌های دهه اخیر در مورد آثار تاریخی و رویکرد مثبت به این زمینه را نادیده گرفت.

ثبت چندین اثر جدید در فهرست آثار جهانی و بسیاری از فعالیت‌های دیگر در سایر بناها و سایت‌های تاریخی از این دست هستند. اما آنچه که بیانگر دغدغه ما در این مقوله است، رفتار و رویکردی است که به هیچ وجه در شان و ارزش این آثار تاریخی نیست و این آثار را در هاله‌ای از ناشناختگی و نامشخص بودن می‌برد.

نبود اطلاع‌رسانی مناسب در مورد آثار جهانی و معرفی بسیار ناقص و دم‌دستی این آثار، نبود گزارش و مدارک کافی از فعالیت‌های انجام شده از کاستهایی است که دامنگیر این میراث ارزشمند شده است. چند درصد مردم ایران که باید در آینده پذیرای گردشگرانی از سراسر دنیا باشند، فهرست آثار جهانی خود را می‌دانند؟ آیا مزایا و منافع یک اثر تاریخی ثبت شده در فهرست آثار جهانی برای مردم و حتی برخی دولتمردان شناخته شده است؟ آیا مردم برخورد صحیح با این آثار ارزشمند را می‌دانند؟ و سوالهای بسیاری که در این مورد مطرح است.

محوطه تخت جمشید که در میان بسیاری از مردم شناخته شده است یا چه ویژگی‌هایی معروف است؟ آیا شناخت مردم چیزی بیش از ستون‌های بلند و سنگی بزرگ آن است. گذشته از اینها حفاظت و نگهداری این اثر ارزشمند به درستی انجام می‌گیرد؟ در هر بار بازدید که از این محوطه صورت می‌گیرد هیچ تغییری در نگهداریهای ناقص گذشته اعمال نمی‌شود. بازدیدهای چند هزار نفره در ایام نوروز از این محوطه به یک فاجعه شبیه است تا یک فعالیت فرهنگی و گردشگری. روشهای

ایران جزو چند کشور اول جهان از لحاظ داشتن آثار تاریخی و طبیعی و جاذبه‌های گردشگری است. همه بر این امر معترفند، اما همین آثار و مواهب طبیعی و تاریخی که معرف فرهنگ و تمدنی قریب به ۱۵ هزار سال این مرز و بوم است به چندین دلیل مشخص و نامشخص آنچنان که باید شناخته و معرفی نمی‌شوند. از میان تمام آثار تاریخی و طبیعی که در کشور موجود است تنها هفت اثر تاریخی در فهرست آثار جهانی به ثبت رسیده‌اند. میدان نقش جهان اصفهان، مجموعه تخت جمشید، معبد چغازنبیل شوش در سال ۱۳۵۷ و تخت سلیمان، پاسارگاد و گنبد سلطانی و ارگ بم که در سالهای اخیر به ثبت رسیده‌اند.

اما هر اثر تاریخی و طبیعی برای ثبت در فهرست آثار جهانی می‌بایست ویژگی‌هایی داشته باشد که آنها را از سایر آثار متمایز و مشخص کند. منحصر به فرد بودن، داشتن محیط و منظر مناسب طبیعی و تاریخی، مرتبط بودن با فرهنگ و آیینی خاص از این مشخصات هستند.

هفت اثر جهانی ایران دارای این ویژگی‌ها بودند که اکنون در این فهرست قرار دارند و چه بسیار ویژگی‌های دیگری نیز می‌توان در آنها یافت که ارزش‌های ملی، مذهبی و فراملی در آنها نهفته است و چه بسیار آثار دیگری که تنها به دلیل مدیریت بد، توان حضور در این فهرست را نداشته‌اند. این در حالی است که کشور ایالات متحده آمریکا با داشتن نزدیک به ۲۵۰ سال سابقه سکونت و تمدن شهرنشینی که در مقایسه با تمدن چند هزار ساله ایران به لحظه کوتاهی نمی‌ماند، بیش از ۲۰ اثر تاریخی و طبیعی در فهرست آثار جهانی دارد. کشور کانادا با بیش از ۳۰ اثر ثبت جهانی که تعدادی از آثار آن عمری کمتر از ۳۰ سال دارند، در این زمینه شناخته شده‌تر از ایران است. حتی اگر یکی از موارد ثبت شده جهانی تنها یک شهر بازی باشد.

آیا کشور ایران با تمدنی به اندازه تاریخ و طبیعتی این چنین متنوع تنها هفت اثر برای ثبت در فهرست جهانی یونسکو داشته است؟ به حتم اینچنین نیست. مطالعه و جمع‌آوری جامع اطلاعات و داشتن طرحی مناسب و اجرایی برای حفاظت و آینده یک محوطه و اثر تاریخی از الزامات ثبت یک اثر در فهرست آثار جهانی است. اتفاقی که به ندرت در ایران می‌افتد.

مناسفانه برخوردهای سلیقه‌ای فردمحور و به دور از اجماع کارشناسی یا محوطه‌ها و بناهای تاریخی موانع بزرگی بر سر راه ثبت بسیاری از آثار ارزشمند

رتال جامع علوم انسانی

